مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال دوازدهم ، شماره ۳، بهار تابستان ۱۳۹۹، شمارهٔ پیاپی ۲۲

DOI: 10.22067/jlkd.2021.48312.0

بررسی کتاب فارسی پایهٔ هشتم از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی

بلقیس روشن (استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران) (نویسنده مسئول)
حمیده بنیادی (دانشجوی دکتری زبان شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

صص: ۳۰۴-۲۷۷

چکیده

زبان‌شناسی اجتماعی شناختی، نگرشی نو در حوزهٔ زبان‌شناسی است که از تعامل دو رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی شناختی بوجود آمده و هدف آن بررسی ابعاد اجتماعی شناختی زبان در کاربرد روزمره است. پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و هدف از آن تحلیل کتاب *فارسی پایهٔ هشتم، دورهٔ متوسطهٔ اول* (اکبری شلدره، ۱۳۹۷) در چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی شناختی است. در این مطالعه، واحد تحلیل "جمله" و داده‌ها به شیوهٔ اسنادی و تمام‌شماری استخراج شده‌اند. از میان ۱۲۰۰ جملهٔ استخراج‌شده، جمله‌هایی که ساختار استعاری داشتند، (۵۰۰ جمله)، بر اساس طرح‌واره‌های تصوری جانسون (۱۹۸۷) بررسی شدند. از این میان، جمله‌های حاوی متغیرهای اجتماعی (۱۷۰ جمله) مشخص شده و در پایان تعامل طرح‌واره‌های تصوری با متغیرهای اجتماعی مورد تحلیل (کمّی و کیفی) و بازنمایی قرار گرفتند. در این تعامل ۳۲۰ مورد طرح‌وارهٔ تصوری و ۲٤۰ مورد متغیر اجتماعی مشارکت داشتند. طرح‌واره‌های تصوری «نیرو»، «حرکت»، «حجم» و «فرایند» و متغیرهای اجتماعی «نگرش اعتقادی و مذهبی»، «فرهنگ» و «همبستگی» بیشترین مشارکت را در تعامل دو رویکرد زبان‌شناسی شناختی و اجتماعی داشتند. گرچه کاربرد بیش از ۵۰۰ جملهٔ استعاری نشان می‌دهد که مؤلفان به رشد خلاقیت و تفکرات انتزاعی نوجوانان توجه داشته‌اند؛ اما، با توجه به تعامل ۳٤ درصدی از جمله-های استعاری با متغیرهای اجتماعی، نگارندگان معتقدند رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی شناختی در این کتاب به تمامیت به منصهٔ ظهور نرسیده است. از دیگر یافته‌ها آن‌که هر چه

تاریخ دریافت :۱۳۹۸/۰۹/۱۱   تاریخ پذیرش : ۱۳۹۹/۱۲/۱۹

پست الکترونیکی: 1. bl_rovshan@pnu.ac.ir   2. h.bonyadi52@gmail.com

تعداد طرح‌واره‌ها نسبت به متغیرهای اجتماعی در یک جمله بیشتر باشد، آن جمله از پیچیدگی مفهومی بیشتری برخوردار است و عکس آن نیز صادق است. ایجاد حس صمیمیت با کاربرد بالای متغیر «همبستگی»، تبعیض جنسیتی، معرفی فرهنگ ایرانی-اسلامی در ساختارهای استعاری از دیگر یافته‌های این پژوهش می‌باشند.

کلید واژه: زبان‌شناسی اجتماعی شناختی، کتاب فارسی، طرح‌وارهٔ تصوری، متغیر اجتماعی

مقدمه

در کشور ایران کتاب‌های درسی از مهم‌ترین ابزارهای آموزشی در عرصهٔ تعلیم و تربیت هستند؛ بنابراین، توجه علمی و اصولی در تالیف این کتاب‌ها و همچنین تحلیل محتوا از دیدگاه‌های مختلف، به‌ویژه شناختی، امری مهم به‌نظر می‌رسد. به‌زعم زندی و همکاران (۱۳۹٤) در میان همهٔ کتاب‌های درسی، کتاب‌های فارسی از اهمیت خاصی برخوردار هستند؛ زیرا با استفادهٔ کارآمد از آموزه‌های زبانی این کتاب، دانش‌آموزان نه‌تنها شیوهٔ مناسب تعاملات اجتماعی را فرا می‌گیرند، بلکه به درک آسان‌تر علم و فرهنگ که نمود آن بیشتر از طریق زبان ظاهر می‌شود، نائل خواهند شد.

امروزه نظریات زبان‌شناسی، در حوزه‌هایی چون زبان‌شناسی تربیتی[1]، زبان‌شناسی‌شناختی[2] و زبان‌شناسی اجتماعی[3]، در تحلیل متون زبانی، به‌ویژه کتاب‌های آموزشی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. زبان‌شناسی تربیتی یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است که همچون پلی میان دنیای زبانی و نظام تعلیم و تربیت واقع شده و بستر را برای بهبود و تسهیل فرایندهای آموزشی به‌لحاظ مسائل زبانی می‌گستراند (زندی، ۱۳۹۳). این شاخهٔ علمی ضمن تاکید بر تلفیق زبان‌شناسی و آموزش، با استفاده از روش‌ها و دیدگاه‌های زبان‌شناختی، چالش‌ها و مشکلات علمی نظام آموزش رسمی در زمینهٔ یادگیری زبان و یادگیری از طریق زبان را مورد توجه قرار می‌دهد و مهم‌ترین وظیفهٔ آن بررسی شیوه‌های آگاه‌سازی زبان‌آموزان، اعم از نوجوانان، جوانان و بزرگسالان، در رابطه با آثار اجتماعی و فردی کاربرد زبان است (همان). اسپالسکی زبان‌شناسی تربیتی را فهم یکپارچه از موضوعاتی می‌داند که گرچه به‌طور طبیعی

1. educational linguistics
2. cognitive linguistics
3. sociolinguistics

در برنامه‌ریزی‌های تحصیلی، منقطع و مجزا به‌نظر می‌رسند، اما می‌تواند درک همهٔ مباحث مربوط به زبان و آموزش را در یک بافت اجتماعی وسیع فراهم سازد (همان).

زبان‌شناسی شناختی یکی از مهم‌ترین مکاتب زبان‌شناسی با ماهیتی انعطاف‌پذیراست که رابطهٔ بین زبان، ذهن و تجارب اجتماعی و فیزیکی را بررسی می‌کند. این دیدگاه، تعامل ذهن آدمی با تجاربی که او در زندگی کسب می‌کند را همراه با آن‌چه در زبان منعکس می‌شود را مورد مطالعه قرار داده و زبان را بازنمودی از نظام تصوری ذهنی معرفی می‌نماید. یکی از دلایل مهم برای مطالعهٔ زبان ناشی از این فرض است که زبان الگوهای اندیشه و ویژگی‌های ذهن انسان را منعکس می‌کند (کرافت[1] و کروز[2]:۲۰۰٤). در این رویکرد گرچه فرض مسلم آن است که زبان در ذهن است؛ اما نمی‌توان آن را به‌عنوان یک پدیدهٔ ذهنی مطلق و جدا از اجتماع مطالعه نمود. یکی از زیرشاخه‌های مطرح در حوزهٔ زبان‌شناسی شناختی، معنی‌شناسی شناختی است. از نظر معنی‌شناسان شناختی انسان تجربه‌هایی را که از محیط اطراف خود کسب می‌کند در ذهن به‌صورت مفاهیم انبار نموده و سپس از آن‌ها برای برقراری ارتباط با دیگران و از همه مهم‌تر تفکر استفاده می‌کند (روشن و اردبیلی،۱۳۹۲: ۱۹).در این نگرش ساختارهای مفهومی بدن‌مند هستند؛ یعنی از تجربهٔ انسان مشتق می‌شوند و نهایتاً آن‌چه که ماهیت سازمان مفهومی را معنادار می‌کند تجربه‌ای است که با آن همراه است. ساختار معنایی، همان ساختار مفهومی است و ارتباط اجسام با محیط اطراف، باعث می‌شود که اشخاص به ادراکی دست یابند که ماحصل این تعامل است (همان: ٢٤).

در بین مطالعاتی که معناشناسان شناختی بر روی ساخت‌ها و فرایندهای مفهومی داشتند، جالب‌ترین پژوهش آن‌ها به استعاره برمی‌گردد. لیکاف و جانسون[3] (۱۹۸۰) در کتاب *استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم*[4] بر این باورند که استعاره، پدیده‌ای بنیادین در مقوله‌بندی ما از محیط پیرامون و تفکر ماست و به ساختارهای بنیادین دیگری چون طرح‌واره‌های تصوری[5] یا فضاهای ذهنی[6] و جز آن مربوط می‌شود. آن‌ها به بررسی رابطهٔ میان معنا و ارجاع

1. Croft, W.
2. Cruse, D. A.
3. Johnson, M.
4. *Metaphors We Live by*
5. image schemata
6. mental spaces

در جهان واقعی می‌پردازند. کوچِش[1] (۱۳۹۳: ۱۰) استعاره را به‌عنوان پدیده‌ای که نقشی کلیدی در تفکر، درک و استدلال بشر در مواجهه با واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی انسان دارد، معرفی می‌نماید. به اعتقاد وی استعاره فقط ابزار تخیل ادبی خلاق نیست؛ بلکه، ابزار شناختی قدرتمندی است که بدون آن نه شاعران و نه هیچکس دیگر در مقام افراد عادی قادر به ادامهٔ زندگی نخواهند بود. در این رویکرد، استعارهٔ مفهومی عبارت است از درک یک حوزهٔ مفهومی در قالب حوزهٔ مفهومی دیگر. آن حوزهٔ مفهومی که عبارات استعاری از آن استخراج می‌شوند تا حوزهٔ مفهومی دیگری درک شوند، «حوزهٔ مبدا» و آن حوزهٔ مفهومی که بدین روش درک می‌شود «حوزهٔ مقصد» نامیده می‌شود (همان: ۱۵)؛ بنابراین، حوزهٔ مبدا دارای مفاهیم و معانی عینی‌تر نسبت به حوزهٔ مقصد است. به دیگر سخن، استعاره، نگاشت قلمرو عینی و ملموس تجربه بر مفاهیم ذهنی و انتزاعی است. به‌زعم کوچِش (۱۳۹۳) کاربرد مؤلفه‌-های شناختی، مانند استعاره‌ها، می‌بایست متناسب با موقعیت‌های اجتماعی چون روابط اجتماعی، نقش‌های جنسیتی، منزلتی و غیره باشد؛ زیراکه سهم زیادی از ظرفیت شناختی به زبان‌شناسی اجتماعی اختصاص دارد.

جانسون (۱۹۸۷: ۲) معتقد است تفکرات انتزاعی که در قالب استعاره بیان می‌شوند پایه و مبنای طرح‌واره‌ای دارند. به عقیدهٔ وی تجربیات ما از جهان خارج ساخت‌هایی در ذهن پدید می‌آورند که ما آن را به زبان خود انتقال می‌دهیم. وی این ساخت‌های مفهومی را طرح‌واره‌های تصوری می‌نامد. طرح‌واره‌های تصوری از تجربیات حسی بشر پدید می‌آیند. آن‌ها پیش-مفهومی[2] هستند و جزو اولین مفاهیمی محسوب می‌شوند که در ذهن انسان به‌وجود می‌آیند (روشن و اردبیلی،۱۳۹۲: ٤۹). جانسون مفاهیم تجربی را مجموعه‌ای از روابط مکانی پایه‌ای (بالا– پائین، جلو– عقب)، مجموعه‌ای از تجربیات و فعالیت‌های بنیادین (حرکت کردن، خوردن و ...) و مجموعه‌ای از مفاهیم هستی‌شناختی (موجود، ظرف و ...) معرفی می‌نماید و اظهار می‌دارد این امور با مشاهده و تجربهٔ جهان واقعی ساخت‌های مفهومی بنیادینی را شکل می‌دهند که انسان را قادر می‌سازد دربارهٔ مفاهیم انتزاعی‌تر بیاندیشد و به زبان انتقال دهد (محمدی آسیابادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱٦۲-۱٤۱).در جدول (۱) طرح‌واره‌های تصوری

1. Kövecses, Z.
2. preconceptual

پیشنهادی جانسون (۱۹۸۷) نشان داده شده است. از میان این طرح‌واره‌ها، طرح‌واره‌های حجم، حرکت و نیرو به‌عنوان طرح‌واره‌های پایه شهرت دارند.

جدول ۱- طرح‌واره‌های تصوری پیشنهادی جانسون (۱۹۸۷: ۱۲۶)

ردیف	طرح‌وارهٔ تصوری	ردیف	طرح‌وارهٔ تصوری	ردیف	طرح‌وارهٔ تصوری
۱	حجم/ظرف	۱۰	توده/تعداد	۱۹	تکرار
۲	حرکت/مسیر	۱۱	چرخشی	۲۰	مجموعه
۳	نیرو/قدرت	۱۲	کل/جزء	۲۱	مقیاس
٤	اجبار	۱۳	اتحاد	۲۲	توانایی
۵	مرکزیت	۱٤	شکافت	۲۳	موقعیت
٦	دور/نزدیک	۱۵	شیء	۲٤	تماس
۷	رفع مانع	۱٦	پر/خالی	۲۵	سطح
۸	نیروی متقابل	۱۷	جذب	۲٦	انطباق
۹	تعادل	۱۸	فرایند	۲۷	ارتباط

زبان‌شناسی اجتماعی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به مطالعهٔ آن دسته از ویژگی‌های زبان و زبان‌ها می‌پردازد که لازمهٔ تعبیر آن‌ها، رجوع به عوامل اجتماعی و بافتی است. لباو[1] با پیوند دو دیدگاه زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی، به‌طور علمی و منظم همبستگی میان مؤلفه‌های زبانی و متغیرهای اجتماعی را نشان داد. به اعتقاد او ساخت زبان و ساخت جامعه و روندها و متغیرهای زبانی و اجتماعی ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند و مطالعهٔ زبان جدا از بافت اجتماعی آن ما را به توصیفی جامع و واقع‌گرایانه نمی‌رساند (مدرسی، ۱۳۹۱: ۳۳-۳٤). دوونز[2] هدف از انجام مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی را دستیابی به درک بهتری از ماهیت زبان انسان، از طریق مطالعهٔ زبان در بافت اجتماعی آن و یا رسیدن به درک بهتری از ماهیت رابطه و تعامل زبان و جامعه می‌داند (دوونز به نقل از وارداف[3]: ۱۳۹۳).

1. W.Labov
2. W. Downes
3. R.Wardhaugh

زبان‌شناسی اجتماعی شناختی، نگرشی نو در حوزۀ زبان‌شناسی است که از تعامل دو رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی شناختی بوجود آمده و هدف آن بررسی ابعاد اجتماعی شناختی زبان در کاربرد روزمره است. دیرون[1] (۲۰۰۵: ٤٠) معتقد است جای تنوعات زبانی در مطالعات زبان‌شناسی شناختی خالی است و بایستی پژوهش‌هایی از این دست در کانون این مطالعات جای داشته باشد. وی پژوهشگران را به درکی کاربردبنیاد در زبان‌شناسان شناختی توصیه می‌نماید و بر ضرورت اتخاذ رویکردهایی تأکید می‌ورزد که بتوانند مطالعات و موضوعات پژوهشی جامعه‌شناسی زبان و زبان‌شناسی شناختی را به هم نزدیک نمایند (کریستینسن[2] و دیرون، ۲۰۰۸: ۵). گیرارتز[3] وهمکاران (۲۰۱۰: ۲) در مورد همگرایی دو رویکرد زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی در زبان‌شناسی اجتماعی شناختی دو سؤال را مطرح می‌نمایند: ۱) چرا زبان‌شناسی شناختی به‌سمت پژوهش‌های متغیرگرا گرایش دارد؟؛ ۲) چرا زبان‌شناسی اجتماعی به دنبال مطالعات زبان‌شناسی است؟ آن‌ها در پاسخ به این دو سؤال، دیدگاه ناظر بر اولویت معنا در زبان‌شناسی شناختی و طبیعت کاربرد- بنیاد بودن زبان‌شناسی شناختی را مطرح می‌نمایند و معتقدند این دو ویژگی در قلب زبان‌شناسی شناختی وجود دارند و به‌طور اجتناب‌ناپذیری با دیدگاه اجتماعی در ارتباط هستند؛ بنابراین، ماهیت شناخت آدمی جدا از تعاملات اجتماعی و بن‌مایه‌های فرهنگی نیست. آن‌ها اصطلاح «متغیر زبان‌شناسی اجتماعی شناختی» را برای مجموعه‌ای از شیوه‌های گوناگون بیان یک کارکرد زبانی واحد یا درک یک عنصر زبانی واحد به‌کار می‌برند. از نظر آن‌ها هر یک از این روش-های بیان یا فهم، معنای اجتماعی مخصوص به‌خود دارند؛ بدین معنا که همۀ دیگر گونه‌ها از لحاظ ارجاع یا ارزش صدق با هم برابرند، اما معنای اجتماعی و سبکی آن‌ها با هم متفاوت است (دبیرمقدم و همکاران، ۱۳۹۷). بر اساس این تفکر هر متغیر زبان‌شناختی اجتماعی یک عنصر زبانی است که به بسیاری از متغیرهای برون‌زبانی مستقل (طبقۀ اجتماعی، سن، جنسیت، مکان جغرافیایی، گروه قومی یا سبک و گونه بافتی) حساس است (همان).

هادسن (۲۰۰۰: ۱) با تاکید بر ضرورت مطالعۀ عوامل اجتماعی در زبان‌شناسی شناختی می‌گوید:

---

1. R. Dirven
2. G. Kristensen
3. D. Geeraerts

"زبان‌شناسی شناختی این پتانسیل را داراست که سهمی جدّی در برخی حیطه‌های مهم زبان‌شناسی اجتماعی داشته باشد. از سوی دیگر، این بدان معناست که حیطه‌هایی از زبان‌شناسی اجتماعی هم به حوزهٔ زبان‌شناسی شناختی تعلق دارد و باید بر اندیشه و عمل در حوزهٔ زبان‌شناسی شناختی تأثیر بگذارند".

پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و از نوع تحلیل محتوا می‌باشد. هدف اصلی آن بررسی کتاب *فارسی پایهٔ هشتم، دورهٔ متوسطهٔ اول* (اکبری شلدره، ۱۳۹۷)، که در مدارسِ ایران آموزش داده می‌شود، از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی است. نگارندگان سعی دارند با توجه به عملکرد ساختارهای ذهنی و تنوعات زبانی در فرایند یادگیری، همگرایی دو رویکرد زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی را در این کتاب مورد بازنمایی قرار دهند. این مطالعه، اقدامی نوین در جهت تحلیل کتاب‌های درسی، به‌ویژه کتاب‌های آموزش زبان فارسی در حوزهٔ زبان‌شناسی می‌باشد. در این پژوهش، نگارندگان سعی خواهند کرد به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:

۱) چه سهمی از کل کتاب *فارسی پایهٔ هشتم، دورهٔ متوسطهٔ اول* (اکبری شلدره، ۱۳۹۷) بر اساس سازوکارهای شناختی ایجاد شده‌اند؟؛ ۲) چگونه می‌توان همگرایی و تعامل دو رویکرد زبان‌شناسی شناختی و اجتماعی را در سطح یک جمله مورد بازنمایی قرار داد؟؛ ۳) در این کتاب چند نمونه از مؤلفه‌های شناختی و چند مورد از متغیرهای اجتماعی با یکدیگر در تعامل هستند؟؛ ٤) چه درصدی از جمله‌های این کتاب که دارای سازوکار مفهومی هستند، در بستر زبان‌شناسی اجتماعی شناختی قرار دارند؟؛ ٥) کدام‌یک از متغیرهای اجتماعی سهم بیشتری در بازنمودهای شناختی این کتاب دارند؟

پیشینهٔ پژوهش

محققان ایرانی و غیرایرانی زیادی به تحلیل متون کتب درسی، آموزش زبان و اشعار از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی تربیتی پرداخته‌اند؛ اما از منظر زبان‌شناسی اجتماعی شناختی، به‌ویژه در زمینهٔ تحلیل متون فارسی، مطالعات نسبتاً اندکی صورت گرفته است. از جمله پژوهشگران ایرانی که در این زمینه مطالعه کرده‌اند زندی و احمدی (۱۳۹۵)، بحرینی (۱۳۹۲)، مهرابی (۱۳۹۷) و مدرسی و مظفری (۱۳۹۷) می‌باشند.

زندی و احمدی (۱۳۹۵) نام‌شناسی اجتماعی شناختی را به‌عنوان یک حوزهٔ مطالعاتی میان-رشته‌ای مورد مطالعه قرار داده‌اند. آن‌ها معتقدند در زبان‌شناسی اجتماعی شناختی، زبان یک ساختار اجتماعی و بخشی از شبکهٔ شناختی است که اطلاعات ما دربارهٔ افراد، گروه‌های اجتماعی و روابط اجتماعی تشکیل‌دهندهٔ جامعه را شکل می‌دهد و افراد از طریق پیوند دانش زبانی و دانش مربوط به جامعه قادر خواهند بود واژه‌ها و ساختارهای زبانی دیگر را به‌گونه‌ای انتخاب کنند که با شرایط بافت اجتماعی هماهنگ شوند. بحرینی (۱۳۹۷) در رسالهٔ خود به مباحث تابو و حسن تعبیر از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی پرداخته است. او با مطالعه در ساختارهای عبارات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در دو زبان فارسی و انگلیسی را بررسی می‌کند. نتایج بیان‌گر آن هستند که با توجه به مبانی و اصول ادب، اصطلاحاتی که دارای تابو در ساختار خود هستند به اصطلاحات دیگری تبدیل می‌شوند که نوعی به‌گویی را در خود داشته باشند تا در ماهیت کلامی آنها جبران صورت گیرد و برای پذیرش در اجتماع خوشایندسازی شوند. بحرینی با اشاره به بیشترین کاربرد سامان‌یافتگی و انتزاع‌زداعی در رابطه با مختصات استعاره، و مفهوم‌سازی اصطلاحات با توجه به اصول بدنمندی و پویایی اذعان می‌دارد در مجموع، اصطلاحات در دو زبان، زیرساخت معنایی و موضوع مشابهی را دارند؛ اما در روساخت بازنمود عینی و ساختار هر مورد متفاوت می‌شود.

مهرابی (۱۳۹۷) در مطالعهٔ خود کتاب *ده گفتار در زباشناسی اجتماعی شناختی* که حاصل سخنرانی‌های پروفسور گیرارتز در سال ۲۰۰۹ در همایش بین‌المللی زبان‌شناسی شناختی در چین برگزار شد، بررسی کرده است. مدرسی و مظفری (۱۳۹۷) شأن اجتماعی تنوعات گونه‌ای زبان فارسی در قالب متغیرهای همبستگی و منزلت اجتماعی در چندین شهر استان فارس را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج گویای آن بودند که گونه‌های محلی با هویت‌بخشی به گویشوران خود، احساس وفاداری نسبت به شهر بومی و گونهٔ محلی خود را تقویت نموده و در ایجاد همبستگی در خانواده و دوستان بسیار پررنگ عمل می‌کنند؛ در حالی‌که در رسانه‌ها و در گفتار افراد تحصیل‌کرده، محیط‌های آموزشی، شغلی، کوچه و بازار گونهٔ معیار مسلط است. آن‌ها معتقدند اگرچه همبستگی و منزلت اجتماعی هر دو به کاربرد گونهٔ معیار نسبت داده می‌شوند، اما به‌علت حس صمیمیت و حس تعلق گویشوران، گونه‌های غیرمعیار پویا هستند.

پیرسمن[1] و همکاران (۲۰۰۷)، هولمان[2] و سیورسکا[3] (۲۰۰۷)، کلارک و ترازدل (۲۰۰۹)، رابینسون[4] (۲۰۱۰) و وولف[5] و پولزهاگن[6] (۲۰۰۹) از جمله پژوهشگران غیر ایرانی هستند که در حوزهٔ زبان‌شناسی اجتماعی شناختی به مطالعه پرداخته‌اند. پیرسمن و همکاران (۲۰۰۷) کاربست مدل‌های ذهنی واژه را در زبان‌شناسی اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها اسامی مذهبی قبل و بعد از حادثه سپتامبر ۲۰۰۱ را مورد بررسی قرار داده و چگونگی عملکرد این مدل‌ها را در تبیین شباهت‌های معنایی و ارتباطی بین واژگان و عوامل تأثیرگذار بر آن‌ها نشان می‌دهند. هولمان و سیورسکا (۲۰۰۷) در یک مطالعهٔ کاربردبنیاد از دستور، کوتاه‌سازی را در گویش لانکشیر[7] مورد بررسی قرار دادند. نتایج گویای آن بودند که فرایند کوتاه‌سازی علاوه بر توجیهات زبان‌شناسی به عوامل اجتماعی مانند هویت قومی و محلی نیز بستگی دارد. کلارک[8] و ترازدل[9] (۲۰۰۹) دگرگونی اجتماعی صفات کمّی را در چارچوب زبان‌شناسی شناختی بررسی کرده‌اند. آن‌ها تغییرات آوایی را در فرایند «پیشین‌شدگی TH» در اسکاتلند مرکزی – شرقی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهند این تغییرات متاثر از هر دوعامل شناختی و اجتماعی در کنار هم می‌باشند. به باور آن‌ها این رویکرد تلفیقی، علاوه بر آن‌که یک نگرش اقتصادی به زبان است، در فهم عمیق‌تر دگرگونی‌های صوتی نیز تأثیر بسزایی دارد.

رابینسون (۲۰۱۰) پدیدهٔ چندمعنایی در صفت awesome (عالی) را از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی بررسی کرده است. یافته‌های وی حاکی از آن است که ظهور معنای جدید متاثر از شرایط محیطی و متغیرهای اجتماعی است؛ زیرا فرهنگ و طبقهٔ اجتماعی افراد در شیوهٔ مفهوم‌سازی و ادراک آن‌ها نقش برجسته‌ای دارند. وولف و پولزهاگن (۲۰۰۹) در مطالعهٔ خود چندین فرهنگ لغت متفاوت انگلیسی را از منظر زبان‌شناسی اجتماعی شناختی مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها معتقدند رویکرد استعارهٔ مفهومی با تنوعات منطقه‌ای، به‌ویژه در زبان انگلیسی

1. Peirsman, Y
2. Hollmann, W.
3. Siewierska, A.
4. Robinson, J.
5. Wolf, H. G.
6. Polzenhagen, F.
7. Lancashire, R. W.
8. L. Clark
9. G.Trousdel

هنگ-کنگی، پیوند داشته و اطلاعات مفهومیِ برجستهٔ فرهنگی می‌تواند ارتباطات مفهومیِ آشکاری بین بازیافت آیتم‌های واژگانی داشته باشند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و به شیوهٔ اسنادی و تمام‌شماری، کل متون کتاب *فارسی پایهٔ هشتم، دورهٔ متوسطهٔ اول* (اکبری شلدره، ۱۳۹۷) را از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی مورد بررسی قرار می‌دهد. جامعهٔ آماری این پژوهش (به‌جز توضیحات مربوط به دستور و تمرین‌ها)، تمامی متون درسی کتاب، مشتمل بر نثرهای ادبی، ساده و شعر است. واحد تحلیل «جمله» است؛ یک جملهٔ کامل و مستقل. برای رسیدن به هدف پژوهش، نگارندگان با نفوذ به لایه‌های زیرین متن، جمله‌هایی که دربردارندهٔ طرح‌واره‌های تصوری هستند را به‌عنوان مهم‌ترین ابزار شناختی در معنی‌شناسی شناختی و اساس نگاشت‌های استعاری، استخراج و مورد تحلیل کیفی و کمّی قرار خواهند داد. لازم به ذکر است در این مطالعه، علاوه بر طرح‌واره‌های تصوری جانسون (۱۹۸۷)، طرح‌وارهای تصوری دیگری چون «ابزار»، «جانبخشی»، «شیء»، «آغاز/پایان» و «چشایی» نیز استخراج شده‌اند. سپس از میان جمله‌های استعاری استخراج‌شده، جمله‌هایی که دارای متغیرهای اجتماعی چون «طبقهٔ اجتماعی»، «جنسیت»، «نزاکت»، «همبستگی»، «قدرت»، «فرهنگ»، «نگرش اعتقادی و مذهبی»، «تاریخ» و «سن» هستند، استخراج و در نهایت از منظر زبان‌شناسی اجتماعی شناختی، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در تحلیل آماری داده‌ها از جدول و شکل استفاده شده است. درصدها با تقریب کمتر از یک درصد می‌باشند. در بخش تحلیل کیفی داده‌ها، از میان تمام جمله‌های تحلیل شده، ۱۰ جمله، به‌منظور معرفی الگو، به‌طور هدفمند انتخاب و مورد تحلیل و بازنمایی قرار خواهند گرفت.

تحلیل داده‌ها

٤-۱ تحلیل کمّی کتاب *فارسی پایهٔ هشتم، دورهٔ متوسطهٔ اول* (اکبری شلدره، ۱۳۹۷) از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی

برای دستیابی به هدف پژوهش، ابتدا کل جمله‌های کتاب استخراج شدند و از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی مورد بررسی قرار گرفته است. از ۱۲۰۰ جملهٔ (نثر و نظم) استخراج‌شده ،

قریب به ۵۰۰ جمله دارای سازوکار مفهومی و استعاری بودنـد. ایـن تعـداد جملـه، تقریبـاً ۴۲ درصد از کل جمله‌های کتاب را شامل می‌شوند. لازم به ذکر است که طـرح‌واره‌هـای تصـوری در بعضی موارد با هم همپوشانی داشتند. از این میان، ۱۷۰ جملهٔ استعاری با بیش از ۳۲۰ مورد طرح‌وارهٔ تصوری با متغیرهای اجتماعی و تنوعات زبانی (۲۴۰ مورد) در تعامل بودند.

جدول ۲- بررسی کمّی کتاب *فارسی پایهٔ هشتم، دورهٔ متوسطهٔ اول* (اکبری شلدره، ۱۳۹۷)

داده‌ها	تعداد
درس	۱۷
متن	۲۸
جمله	۱۲۰۰
جملهٔ استعاری	۵۰۰
جملهٔ اجتماعی شناختی	۱۷۰
طرح‌وارهٔ تصوری	۳۲۰
متغیر اجتماعی	۲۴۰

در جدول (۳) تعداد و درصد انواع طرح‌واره‌های تصـوری کـه بـا متغیرهـای اجتمـاعی در تعامل هستند، به ترتیب فراوانی نشان داده شده است.

نتایج نشان می‌دهند کـه در ایجـاد نظـام‌هـای اسـتعاری، طـرح‌واره‌هـای تصـوری «نیـرو»، «حرکت»، «فرایند» و «حجم» بیشترین سهم و طرح‌واره‌های تصـوری «چشـایی»، «مرکزیـت» و «فاصله» کمترین سهم را داشته‌اند. همچنین از بین طرح‌واره‌های تصـوری پیشـنهادی جانسـون (۱۹۸۷)، طرح‌واره‌های «اجبار»، «دور/نزدیک»، «اتحاد»، «تکرار»، «مقیاس» و «انطباق» در یافته‌ها مشاهده نشدند. در این تحلیل، به‌جز طرح‌واره‌های تصوری جانسون، طـرح‌واره‌هـای تصـوری «جانداری»، «چشایی»، «ابزار»، «نور» و «آغاز/پایان» نیز یافت شدند.

در جدول شمارهٔ (۴) تعداد و درصد مشارکت متغیرهای اجتماعی در جمله‌هایی که ساختار استعاری دارند، به ترتیب فراوانی نشان داده شده است.

از منظر زبان‌شناسی اجتماعی، یافته‌ها نشـان مـی‌دهنـد کـه متغیرهـای «نگـرش اعتقـادی و مذهبی»، «همبستگی» و «جنسیت» بیشترین سهم را در تعامل با ساختارهای استعاری داشته‌انـد. در حوزهٔ «جنسیت»، تفاوت آشکاری بین دو جنس مذکر و مونث دیده می‌شود. در حوزه‌هـای

«جغرافیا» و «ملیت»، نیز نام کشور ایران و ملیت ایرانی بیشترین سهم را از آنِ خود کرده بودند. همچنین تفاوت زیادی بین دو متغیر همبستگی و نزاکت مشاهده می‌شود.

جدول ۳- میزان و درصد مشارکت طرح‌واره‌های تصوری در تعامل با متغیرهای اجتماعی

ردیف	طرح‌وارهٔ تصوری	تعداد	درصد	ردیف	طرح‌وارهٔ تصوری	تعداد	درصد
۱	نیرو/قدرت	۳۰	٪۹	۱۷	ارتباط	۷	٪۲
۲	حرکت	۲۸	٪۹	۱۸	نیروی متقابل	۷	٪۲
۳	حجم	۲۵	٪۸	۱۹	شکاف	٦	٪۲
٤	فرایند	۲۵	٪۸	۲۰	جهت	٦	٪۲
٥	توده/تعداد	۲۲	٪۷	۲۱	آغاز/پایان	٤	٪۱
٦	جانداری	۲۰	٪٦	۲۲	چرخشی	٤	٪۱
۷	مجموعه	۱۸	٪٦	۲۳	توانایی	٤	٪۱
۸	تعادل	۱٤	٪٤	۲٤	مانع	٤	٪۱
۹	تماس	۱۳	٪٤	۲٥	کل/جز	٤	٪۱
۱۰	جذب	۱۲	٪٤	۲٦	پیوند	۳	٪۱
۱۱	نور	۱۰	٪۳	۲۷	پر/خالی	۳	٪۱
۱۲	رفع مانع	۱۰	٪۳	۲۸	چشایی	۲	٪۱
۱۳	سطح	۱۰	٪۳	۲۹	مرکزیت	۲	٪۱
۱٤	موقعیت	۹	٪۳	۳۰	فاصله	۲	٪۱
۱٥	شیء	۹	٪۳	مجموع		۳۲۰	٪۱۰۰
۱٦	ابزار	۷	٪۲				

٤-۱ تحلیل کیفی کتاب *فارسی پایهٔ هشتم، دورهٔ متوسطهٔ اول* (اکبری شلدره، ۱۳۹۷) از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی

همان‌طور که در بخش روش تحقیق گفته شد، تحلیل داده‌ها به‌شیوهٔ تمام‌شماری صورت گرفته است. از این‌رو تمام جمله‌هایی که دارای امکانات شناختی و اجتماعی بودند (۱۷۰ جمله) مورد تحلیل و تعبیر قرار گرفته‌اند. برای نشان دادن چگونگی تحلیل، از میان این جمله‌ها، ۱۰ جمله به‌عنوان نمونه انتخاب شده که در ادامه از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی مورد بحث قرار خواهند گرفت. همان‌طور که در قسمت‌های قبلی گفته شد، به‌منظور

بررسی و تحلیل کیفی جمله‌ها، نخست، داده‌ها از منظر شناختی تفسیر و تحلیل خواهند شد. سپس با استخراج متغیرهای اجتماعی و تنوعات زبانی، همگرایی و تعامل دو دیدگاه زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی مورد بازنمایی قرار خواهد گرفت.

جدول ٤- تعداد و درصد مشارکت متغیرهای اجتماعی در جمله‌های استعاری

<table>
<tr><th>ردیف</th><th colspan="4">متغیر اجتماعی</th><th>تعداد</th><th>درصد</th></tr>
<tr><td>١</td><td colspan="4">نگرش اعتقادی و مذهبی</td><td>٤٣</td><td>٪١٨</td></tr>
<tr><td>٣</td><td colspan="4">همبستگی</td><td>٣٨</td><td>٪١٦</td></tr>
<tr><td rowspan="2">٤</td><td rowspan="2">جنسیت</td><td colspan="2">مونث</td><td>٤</td><td rowspan="2">٣٤</td><td rowspan="2">٪١٤</td></tr>
<tr><td colspan="2">مذکر</td><td>٣٠</td></tr>
<tr><td rowspan="4"></td><td rowspan="4">نام</td><td colspan="2">مونث</td><td>٥</td><td rowspan="4">٣١</td><td rowspan="4">٪١٣</td></tr>
<tr><td rowspan="3">مذکر</td><td>نام پیامبر (ص) و ائمه (ع)</td><td>٥</td></tr>
<tr><td>نام دانشمندان و شاعران</td><td>٨</td></tr>
<tr><td>نام افراد عادی</td><td>١٣</td></tr>
<tr><td rowspan="5">٥</td><td rowspan="5">جغرافیا</td><td rowspan="2">شهر</td><td>ایرانی</td><td>٤</td><td rowspan="5">٢٢</td><td rowspan="5">٪٩</td></tr>
<tr><td>خارجی</td><td>٠</td></tr>
<tr><td rowspan="2">کشور</td><td>ایران</td><td>١٥</td></tr>
<tr><td>خارجی</td><td>٢</td></tr>
<tr><td colspan="2">طبیعت</td><td>١</td></tr>
<tr><td>٦</td><td colspan="4">تاریخ</td><td>١٧</td><td>٪٧</td></tr>
<tr><td>٧</td><td colspan="4">طبقهٔ اجتماعی</td><td>١٤</td><td>٪٦</td></tr>
<tr><td>٨</td><td colspan="4">فرهنگ</td><td>١٠</td><td>٪٤</td></tr>
<tr><td>٩</td><td colspan="4">سن</td><td>١٠</td><td>٪٤</td></tr>
<tr><td></td><td colspan="4">نسبت خانوادگی</td><td>٧</td><td>٪٣</td></tr>
<tr><td rowspan="2">١١</td><td rowspan="2">ملیت</td><td colspan="2">ایرانی</td><td>٥</td><td rowspan="2">٦</td><td rowspan="2">٪٣</td></tr>
<tr><td colspan="2">غیرایرانی</td><td>١</td></tr>
<tr><td>١٢</td><td colspan="4">شغل</td><td>٣</td><td>٪١</td></tr>
<tr><td>١٣</td><td colspan="4">نزاکت</td><td>٣</td><td>٪١</td></tr>
<tr><td>١٥</td><td colspan="4">منزلت</td><td>٢</td><td>٪١</td></tr>
<tr><td colspan="5">مجموع</td><td>٢٤٠</td><td>٪١٠٠</td></tr>
</table>

«از آن دانادلان که ایران را به گذشتهٔ پرفروغ آن می‌پیوندد.» (اکبری شلدره، ۱۳۹۷: ۳۱)

ساختار ذهنی خلاق ما با مشاهدهٔ اشیاء، رخدادها و پدیده‌ها در جهان خارج و کسب تجربه از آن‌ها، ساختارهای مفهومی‌ای را خلق می‌نماید که می‌توانند پایه‌های ملموس برای نگاشت‌های استعاری باشند (طرح‌واره‌های تصوری). یکی از این پدیده‌ها نور و روشنایی است. نور و روشنایی در جهان خارج یکی از عوامل اصلی سلامت جانداران، رشد و نمو گیاهان است. در بیشتر اوقات زمانی که نور و روشنایی هست، فعالیت، سازندگی، آبادانی، هوشیاری و بیداری جریان دارد. بدین لحاظ در نظام استعاری، رشد، پیشرفت، موفقیت و در کل مفاهیم مثبت به شکل نور طرح‌واره‌سازی می‌شوند. کشور ایران تمدن پیشرفته و باشکوهی داشته است؛ بنابراین، ساختار ذهنی برای مفهوم انتزاعی «گذشته» نور قائل می‌شود. (طرح‌وارهٔ تصوری نور). از طرفی کشور ایران به یک مفهوم انتزاعی (گذشته) وصل شده است (طرح‌وارهٔ تصوری پیوند). با طرح‌وارهٔ تصوری «حجم» نیز مواجه هستیم؛ زیرا مفهوم انتزاعی «گذشته» همچون ظرفی تصور شده است که می‌تواند پر از نور باشد. در این عبارت طرح‌واره‌های حجم و پر/خالی با یکدیگر همپوشانی دارند. از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی، با متغیرهای اجتماعی جغرافیا، نام کشور («ایران») و «تاریخ» مواجه هستیم. این جمله اشاره به تمدن باشکوه و پیشرفتهٔ ایران دارد. بنابراین، از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی طرح‌واره‌های تصوری «نور» و «پیوند» در تعامل با متغیرهای اجتماعی «جغرافیا» و «تاریخ» هستند.



شکل ۱- تعامل دو دیدگاه اجتماعی و شناختی در جملهٔ شمارهٔ ۱

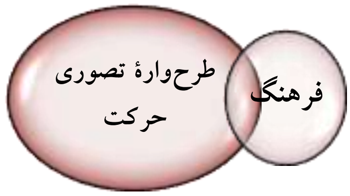
عید آمده بود. (همان :۵۹)

حرکت اصلی‌ترین ویژگی یک تغییر است. به اعتقاد لیکاف و جانسون (۱۹۹۹) ساختار زمان به صورت "حرکت در فضا" است؛ زیرا اساس فهم بشر از زمان، در تجربهٔ او از تغییرات

است و کوچش (۱۳۹۳: ۶۲–۶۳) معتقد است در ساختار ذهنی ما مفهوم زمان بر اساس حرکت و مکان مفهوم‌سازی می‌شود. استعارهٔ «زمان حرکت است» نشان می‌دهد انسان زمان را به‌واسطهٔ برخی عناصر پایه‌ای مانند اشیاء، مکان و حرکت درک می‌کند. از نظر او انطباق‌های زیر نقش اساسی در درک مفهوم زمان دارند:

– زمان شیء است؛
– گذر زمان حرکت است؛
– آینده در برابر ناظر است و گذشته پشت سر او؛
– یک چیز حرکت می‌کند و چیز دیگر ثابت است؛ آن چیز ثابت کانون اشاره است.

از این‌رو در مفهوم‌سازیِ زمان، یا زمان ثابت است و ناظر متحرک[1]؛ مانند جملهٔ «به عید رسیدیم» و یا ناظر ثابت است و زمان متحرک[2]؛ مانند جملهٔ «عید آمده بود». از منظر زبان‌شناسی اجتماعی واژهٔ «عید»، که در این درس به عید نوروز اشاره دارد یک رخداد باستانی و فرهنگی است (متغیر اجتماعی فرهنگ). بنابراین، از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی طرح‌وارهٔ تصوری «حرکت» در تعامل با متغیرهای اجتماعی «فرهنگ» است.



شکل ۲- تعامل دو دیدگاه اجتماعی و شناختی در جملهٔ شمارهٔ ۲

شاه به تنگنا افتاد. (اکبری شلدره، ۱۳۹۷: ۷۲)

با مشاهدهٔ اشیایی چون فنجان، جعبه و ...، پدیده‌های طبیعی یا دست‌ساخته‌ای مانند گودال، چاه، درّه، دریا و ... و رخدادهایی چون افتادن و سقوط کردن در ذهن ما ساختار مفهومی پدید می‌آید که می‌تواند برای مفاهیم انتزاعی حجم یا ظرف قائل شود؛ به‌گونه‌ای که می‌توان در این ظرف افتاد یا چیزی انداخت. در نظام استعاری، در بیشتر مواقع، مفاهیم انتزاعی که بار مفهومی

1. moving-ego
2. moving-time

منفی دارند، مانند ناتوانی، بدبختی، شکست و گرفتاری به شکل افتادن در یک چاه یا چاله تصویرسازی می‌شوند. در جملهٔ بالا «تنگنا» که یک مفهوم انتزاعی منفی است و ناتوانی و بیچارگی را در خود جای داده است، به شکل یک چاله تصور شده است که «شاه» در آن افتاده است (طرح‌وارهٔ تصوری حجم/ظرف). از منظر زبان‌شناسی اجتماعی واژهٔ «شاه»، به دو متغیر اجتماعی «طبقهٔ اجتماعی» و «جنسیت» اشاره دارد. بنابراین از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی طرح‌وارهٔ تصوری «حجم/ظرف» در تعامل با متغیرهای اجتماعی «طبقهٔ اجتماعی» و «جنسیت» می‌باشد.



شکل ۳- تعامل دو دیدگاه اجتماعی و شناختی در جملهٔ شمارهٔ ۳

توطئهٔ انگلیس شکست خورد. (همان: ۷۲)

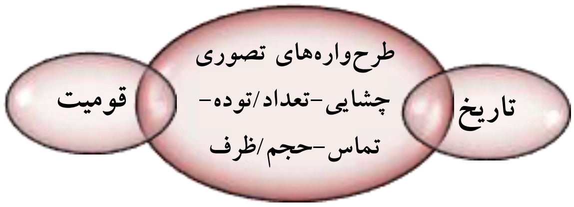
ساختار ذهنی ما با مشاهده و کسب تجربه از رخدادهایی چون شکافتن، شکستن، پاره شدن اشیاء و از بین رفتن آن‌ها در جهان خارج، طرح‌وارهٔ شکافت را در خود شکل می‌دهد که با استفاده از آن می‌تواند بعضی از مفاهیم و رخدادهای انتزاعی را در زبان تجلی بخشد. در جملهٔ شمارهٔ ٤، مفهوم انتزاعی توطئه مانند یک شیء تصور شده است که می‌تواند شکسته شود (طرح‌وارهٔ تصوری شئ). همچنین رخداد شکسته شدن در مورد یک مفهوم انتزاعی (توطئه) به‌کار رفته است؛ بنابراین، با طرح‌وارهٔ تصوری «شکافت» نیز مواجه هستیم. از منظر زبان‌شناسی اجتماعی «انگلیس»، نام کشور است که در مقولهٔ اجتماعی «جغرافیا» جای دارد. از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی طرح‌واره‌های تصوری «شیء» و «شکافت» ناظر بر متغیر اجتماعی «جغرافیا» هستند



شکل ٤- تعامل دو دیدگاه اجتماعی و شناختی در جملهٔ شمارهٔ ٤

ملتی که در دوران دفاع مقدس، لحظه‌های تلخ و شیرینی بسیاری را به چشم دیده [است]. (همان: ۷۷)

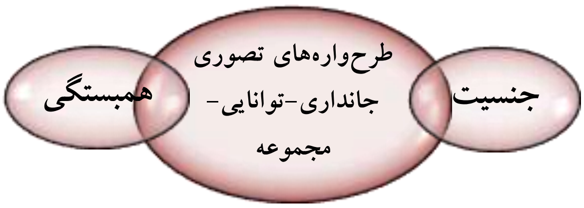
از تجربهٔ مزّه‌ها و طعم‌های مختلف، اعم از شیرینی، شوری، تلخی و تندی در جهان خارج، ساختار مفهومی‌ای در ذهن ساخته می‌شود که به کمک آن می‌توان برای مفاهیم انتزاعی، طعم و مزّه قائل شد. «لحظه»، زمان است و در این جمله، ساختار ذهنی ما برای زمان طعم‌های «تلخ» و «شیرین» قائل شده است (طرح‌وارهٔ تصوری چشایی). ذهن خلاق بشر با مشاهدهٔ تودهٔ اجسام و مقدار کم یا زیاد اشیاء در جهان خارج و ذخیرهٔ آن‌ها در خود، ساختار مفهومی را به‌وجود می‌آورد که می‌تواند برای مفاهیم انتزاعی تعداد یا مقدار تصور کند (طرح‌وارهٔ تصوری تعداد/توده). در این جمله، برای مفهوم انتزاعی «لحظه» مقدار بسیاری تصور شده است. بنابراین، با طرح‌وارهٔ تصوری «تعداد/توده» مواجه هستیم. با طرح‌وارهٔ تصوری «تماس» نیز مواجه هستیم؛ زیرا مفهوم انتزاعی «لحظه‌ها» قابل دیدن هستند. در جهان واقع تماس نور با اشیاء و انعکاس آن به چشم، آن جسم را قابل رؤیت می‌کند. این تجربه در ساختار ذهنی، طرح‌وارهٔ تصوری «تماس» را ایجاد می‌نماید. طرح‌وارهٔ «تماس» امکان دیدن مفاهیم انتزاعی را فراهم می‌کند. در نظام استعاری «زمان، ظرف است». بنابراین با استفاده از این نگاشت می‌توان عبارت «دوران دفاع مقدس» را که زمان است، به مثابهٔ ظرفی تصور کرد که در آن مفهوم انتزاعی «لحظه» دیده می‌شود (طرح‌وارهٔ تصوری ظرف/حجم). از منظر زبان‌شناسی اجتماعی این جمله روایت تاریخی است که به دوران دفاع مقدس اشاره می‌کند. منظور از واژهٔ «ملتی»، ایرانیان است؛ لذا با متغیرهای اجتماعی «تاریخ» و «قومیت» مواجه هستیم. بنابراین از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی طرح‌واره‌های تصوری «چشایی»، «تعداد/توده» و «تماس» و «حجم/ظرف» ناظر بر متغیرهای اجتماعی «تاریخ» و «قومیت» می‌باشند.



شکل ۵- تعامل دو دیدگاه اجتماعی و شناختی در جملهٔ شمارهٔ ۵

تو [کشور ایران] ایستاده‌ای و پسران تو مردان نیایش و شمشیرند. (همان: ۸۲)

در این جمله واژهٔ «تو» به کشور ایران اشاره دارد. در ساختار مفهومی این جمله، کشور ایران همچون انسانی تصور شده است که دارای فرزند است (طرح‌وارهٔ تصوری جانداری) و می‌تواند بایستد (طرح‌وارهٔ تصوری توانایی). دو مفهوم انتزاعی «نیایش» و «شمشیر» به‌صورت یک مجموعه آورده شده‌اند (در این جمله، «شمشیر» به مفهوم جنگ به‌کار برده شده است) (طرح‌وارهٔ تصوری مجموعه). از منظر زبان‌شناسی اجتماعی واژهٔ «تو»، متغیر اجتماعی «همبستگی» می‌باشد و واژه‌های «پسران» و «مردان» اشاره به متغیر «جنسیت» دارند. بنابراین، از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی طرح‌واره‌های تصوری «جانداری»، «توانایی» و «مجموعه» ناظر بر متغیرهای اجتماعی «همبستگی» و «جنسیت» می‌باشند.

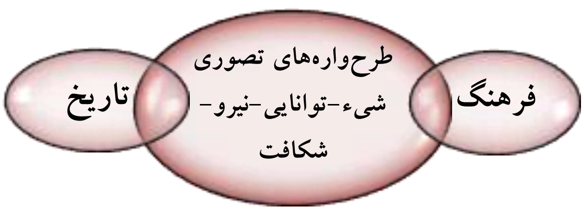


شکل ٦- تعامل دو دیدگاه اجتماعی و شناختی در جملهٔ شمارهٔ ٦

انقلاب اسلامی، درهای تازه‌ای به روی ادبیات گشود. (همان: ۹۲)

در نظام استعاری، ساختارهای انتزاعی پیچیده‌ای چون نظام‌های اقتصادی، سیاسی و دولتی می‌توانند حوزهٔ ساختمان را به‌عنوان مبدا انتخاب نمایند (کوِچش، ۱۳۹۳: ۲۱۷-۲۱۸). در این

جمله «انقلاب اسلامی» در ساختار ذهنی همچون ساختمانی تصور شده است که «در» دارد (طرح‌وارهٔ تصوری شیء) و به این ساختمان انتزاعی توانایی بخشیده است که می‌تواند باعث گشودن در بشود (طرح‌وارهٔ تصوری توانایی). همچنین، در این جمله، مفهوم انتزاعی «انقلاب اسلامی» علت خلق ایده‌های و تفکرات نو در ادبیات ایران معرفی شده است و در نظام استعاری علت، نیرو است (همان، ۱۳۹۳: ۲۲۲) (طرح‌وارهٔ تصوری نیرو). با طرح‌وارهٔ شکافت نیز مواجه هستیم؛ زیرا مفهوم انتزاعی «انقلاب اسلامی» باعث باز شدن «درهای تازه» به روی «ادبیات» که خود نیز یک مفهوم انتزاعی است، می‌شود. از منظر زبان‌شناسی اجتماعی، این جمله، یک رخداد تاریخی را بیان می‌کند که بر روی فرهنگ و ادبیات کشور تاثیرگذار بوده است. بنابراین از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی طرح‌واره‌های تصوری «شیء»، «توانایی»، «نیرو» و «شکافت» ناظر بر متغیرهای اجتماعی «تاریخ» و «فرهنگ» می‌باشند.

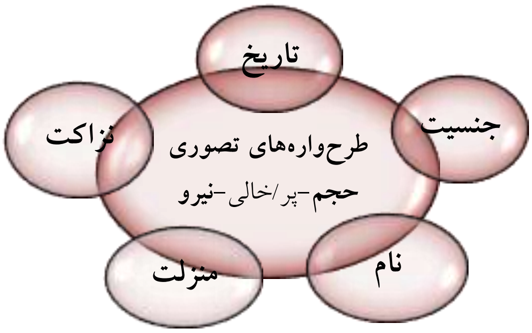


شکل ۷- تعامل دو دیدگاه اجتماعی و شناختی در جملهٔ شمارهٔ ۷

حاج‌آقا ابوترابی همیشه وجود چنین روحیّه پر از امید را در بین اسرا می‌ستود. (اکبری شلدره، ۱۳۹۷: ۹۹)

مفهوم انتزاعی «روحیّه» همچون ظرفی تصور شده است که پر از (مفهوم انتزاعی) امید می‌باشد (طرح‌واره‌های تصوری حجم و پر/خالی). همان‌طور که در مثال شمارهٔ ۵ گفته شد، در نظام استعاری علت، نیرو است؛ در این جمله، علت ستایش حاج آقا ابوترابی مفهوم انتزاعی «روحیّهٔ پر از امید» می‌باشد (طرح‌واره‌های تصوری نیرو). از منظر زبان‌شناسی اجتماعی، این جمله، یک روایت تاریخی از دوران دفاع مقدس است. عبارت «حاج آقا ابوترابی» به متغیرهای اجتماعی «جنسیت»، «نام»، «منزلت» و «ادب» اشاره دارد. بنابراین، از دیدگاه زبان‌شناسی

اجتماعی شناختی طرح‌واره‌های تصوری «حجم»، «پر/خالی» و «نیرو» ناظر بر متغیرهای اجتماعی «تاریخ» و «جنسیت»، «نام»، «منزلت» و «نزاکت» می‌باشند.



شکل ۸- تعامل دو دیدگاه اجتماعی و شناختی در جملهٔ شمارهٔ ۸

چگونه سنگ در دستان کودکان حماسه می‌آفرینند. (همان: ١١٤)

ساختار ذهنی ما با مشاهدهٔ جانداران و توانایی‌های آن‌ها در انجام فعالیت‌ها می‌تواند به اشیاء و پدیده‌های بی‌جان، عقل و جان ببخشد و آن‌ها را در انجام بسیاری از کارها توانمند سازد. همچنین با تجربه‌ای که در جهان خارج از رخدادها و وقایع کسب می‌کند، می‌تواند مفاهیم انتزاعی را به شکل یک فرایند در خود مفهوم‌سازی نماید. در این جمله، ساختار ذهنی ما به «سنگ» آن‌قدر توانایی داده است که می‌تواند حماسه بیافریند (طرح‌وارهٔ توانایی). در نظام استعاری مفهوم انتزاعی «حماسه» مانند یک رخداد در جهان خارج ساخته و پردازش می‌شود. ساختار ذهنی ما این پردازش را در قالب طرح‌وارهٔ تصوری «فرایندم مفهوم‌سازی می‌نماید. از منظر زبان‌شناسی اجتماعی، این جمله، یک روایت تاریخی از مبارزهٔ مردم فلسطین با اسرائیل است. «کودک» نیز به‌عنوان متغیر اجتماعی «سن» محسوب می‌شود. بنابراین، از دیدگاه زبان-شناسی اجتماعی شناختی طرح‌واره‌های تصوری «توانایی» و «فرایند» ناظر بر متغیرهای اجتماعی «تاریخ» و «سن» می‌باشند.



شکل ۹. تعامل دو دیدگاه اجتماعی و شناختی در جملهٔ شمارهٔ ۹

اگر غمگین هستید، با صبر و تحمل و توکل به خدا و امید به فردایی روشن بار غم را به دوش بکشید (همان: ۱۱۹).

غم و بدبختی نیرویی هستند که مانع احساس خوشبختی و رضایتمندی می‌شوند. از این‌رو در در نظام استعاری، غم به‌عنوان یک مانع مفهوم‌سازی می‌شود.

جانسون (۱۹۸۷: ٤٦) سه حالت را برای طرح‌وارهٔ تصوری نیرو معرفی می‌کند:

الف: وقتی مانع سد راه می‌شود و چاره‌ای جز قطع مسیر نیست؛ مانند عبارت «بدبختیام نمیزارن یکم به خودم برسم».

ب: دومین نوع از طرح‌وارهٔ تصوری نیرو شامل سه حالت متفاوت می‌باشد:

– وقتی که بتوان آن مانع را برداشت و حرکت رو به جلو را ادامه داد؛ مانند عبارت «با هر بدبختی بود، کرایه خانه رو جور کردم».

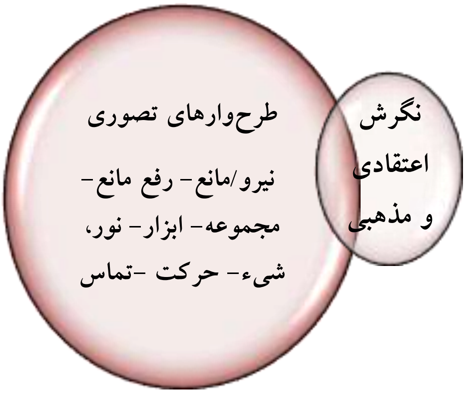
– حالت دوم ازکنار مانع عبور می‌شود؛ یا آن را دور زد و به راه اولیه ادامه داد؛ مانند عبارت «بالاخره غول کنکور رو شکست دادم و وارد دانشگاه شدم».

– حالت سوم تغییر مسیر و برخورد نکردن با مانع است؛ مانند عبارت «از خیر دانشگاه بگذر و وارد بازار کار شو».

ج: سومین حالت طرح‌وارهٔ تصوری نیرو، با تلاش و کوشش مشکلات را با موفقیت پشت سر گذاشتن است؛ مانند عبارت «هر جور بود آدرس رو پیدا کردم».

در جملهٔ شمارهٔ (۱۰)، با سومین حالت طرح‌وارهٔ تصوری نیرو مواجه هستیم؛ یعنی، طرح-وارهٔ تصوری «رفع مانع». «بدبختی» مانع است، اما با «صبر و امید به فردایی» روشن می‌توان آن را تحمل نمود. مفاهیم انتزاعی «صبر و تحمل و توکل به خدا و امید» به‌صورت یک مجموعه

آمده‌اند (طرح‌وارهٔ تصوری مجموعه). همچنین این مجموعه به‌صورت اهرم و ابـزاری مفهـوم‌سازی شده‌اند که به کمک آن‌ها می‌توان بار غم را بر دوش کشـید (طـرح‌وارهٔ تصـوری ابـزار). همان‌طور که در جملهٔ شمارهٔ (۱) گفته شد ساختار ذهنی ما با کسب تجربه از نور و روشـنایی در جهان خارج، مفاهیم انتزاعی‌ای چون موفقیت، امید و سازندگی را مفهوم‌سـازی مـی‌نمایـد؛ بنابراین، نویسنده با در نظر گرفتن موفقیت در آینده، آینده («فردا») را نورانی و روشن مفهـوم‌سازی کرده است. مفهوم انتزاعی «غم»، همچون یک شیء (کوله یا کیسه) تصور شده است کـه می‌توان آن را بر دوش حمل کرد (طرح‌وارهٔ تصوری شـیء). مفهـوم انتزاعـی «غـم» بـر دوش کشیده می‌شود؛ یا به‌عبارتی حرکت داده می‌شـود (طـرح‌وارهٔ تصـوری حرکـت). بـا طـرح‌وارهٔ تصوری تماس نیز مواجه هستیم؛ زیرا مفهوم انتزاعـی «غـم» بـا عضـوی از بـدن («دوش») در تماس است. از منظر زبان‌شناسی اجتماعی این جمله یک «نگـرش مـذهبی» اسـت کـه صـبر و توکل بر خداوند را راهکاری مناسب برای مبارزه با غم و اندوه معرفـی مـی‌نمایـد. بنـابراین از دیدگاه زبـان‌شناسـی اجتمـاعی شـناختی طـرح‌واره‌هـای تصـوری «نیرو/مـانع»، «رفـع مـانع»، «مجموعه»، «ابزار»، «نور»، «شیء»، «حرکت» و «تماس» ناظر بر متغیر اجتماعی «نگرش اعتقادی و مذهبی» است.



شکل ۱۰- تعامل دو دیدگاه اجتماعی و شناختی در جملهٔ شمارهٔ ۱۰

بحث و نتیجه‌گیری

از آن‌جا که جوهرهٔ زبان‌شناسی شناختی بر پایهٔ تعامل ذهن با محیط بیرون و اجتماع اسـت، مطالعه در این حوزه، می‌بایست با در نظر گرفتن همگرایی و تلاقـی دو رویکـرد زبـان‌شناسـی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی صورت بپذیرد. در این مطالعه سعی شده است که با اسـتخراج

و تعبیر ساختارهای مفهومی در کتاب *فارسی پایهٔ هشتم، دورهٔ متوسطهٔ اول* (اکبری شلدره، ۱۳۹۷) و تحلیل آن‌ها در بستر زبان‌شناسی اجتماعی، تعامل و همگرایی سازوکارهای شناختی با متغیرهای اجتماعی مورد بازنمایی قرار گیرد. وجه تمایز مطالعهٔ حاضر با پژوهش‌هایی که در زمینهٔ تحلیل محتوای زبان‌شناختی کتاب‌های درسی شده است، این است که در بسیاری از آن‌ها تنها یک جنبه، (یا شناختی و یا اجتماعی) کتاب مورد بررسی قرار گرفته است؛ حال آن‌که مطالعهٔ حاضر برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر و کاربردی‌تر، تحلیل محتوای متون نوشتاری را با تاکید بر پیوند دو رویکرد زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی انجام داده است.

یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای کمّی نشان می‌دهند از میان ۱۲۰۰ جملهٔ استخراج شده از کتاب، ۵۰۰ جمله (۴۲٪) دارای ساختار استعاری بودند. گرچه این تعداد ساختار مفهومی نشان می‌دهند که مؤلفان کتاب *فارسی پایهٔ هشتم، دورهٔ متوسطهٔ اول* (اکبری شلدره، ۱۳۹۷) نسبت به تفکرات انتزاعی نوجوانان توجه داشته‌اند؛ اما با توجه به مخاطبان این کتاب که در سنین ۱۴ الی ۱۵ سال و در آخرین مرحلهٔ رشد شناختی قرار دارند، نگارندگان معتقدند کاربرد هرچه بیشتر ساختارهای شناختی و مفاهیم انتزاعی در متون آموزشی می‌تواند تاثیر بسزایی در رشد و خلاقیت ذهنی دانش‌آموزان داشته باشد؛ چنان‌چه زندی و همکاران (۱۳۹۴) نیز معتقدند برای رسیدن به بالاترین سطح تفکر و اندیشه که بارزترین رسالت آموزش و پرورش است، درک استعاره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم ذهنی و انتزاعی، امری ضروری محسوب می‌شود.

از میان ۵۰۰ جمله‌ای که ساختار استعاری داشتند، تنها ۱۷۰ جمله (۳۴٪) در تعامل با متغیرهای اجتماعی بودند. ٦٦٪ از بقیهٔ جمله‌های استعاری به دو علت با متغیرهای اجتماعی در تعامل نبودند: ۱) به دلیل حسی و درونی بودن برخی از ساختارهای مفهومی؛ ۲) در بعضی از جمله‌های استعاری، تعامل با متغیرهای اجتماعی به‌صورت غیرمستقیم بود و از آن‌جایی که در این مطالعه واحد تحلیل یک جملهٔ کامل و مستقل در نظر گرفته شده است، این دسته از جمله‌ها در آمار جمله‌های اجتماعی شناختی قرار نگرفتند. این نتیجه نمی‌تواند در راستای این فرضیه باشد که همیشه شناخت با اجتماع و تنوعات زبانی در تعامل است.

در بطن ۱۷۰ جملهٔ اجتماعی شناختی استخراج شده، نزدیک به ۳۲۰ مورد طرح‌وارهٔ تصوری با ۲۴۰ مورد متغیر اجتماعی در تعامل بودند که در بین آن‌ها طرح‌واره‌های «نیرو»،

«حجم»، «حرکت» و «فرایند» و متغیرهای اجتماعی «نگرش اعتقادی و مذهبی»، «همبستگی» و «جنسیت» بیشترین سهم را در تعاملات دو رویکرد زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی داشتند. در ساختارهای شناختی استخراج شده، نزدیک به ۲۰ مورد از دو واژهٔ «ایران» و «ایرانی» استفاده شده است؛ با توجه به کاربرد بالای متغیر اجتماعی «نگرش اعتقادی و مذهبی» (٤۳ مورد) می‌توان نتیجه گرفت که مؤلفان سعی در معرفی و ترسیم فرهنگ ایرانی- اسلامی در این کتاب داشته‌اند. همچنین کاربرد بالای متغیر اجتماعی «همبستگی» نسبت به متغیر «نزاکت» نشان می‌دهد که مؤلفان سعی کرده‌اند سازوکارهای ذهنی و شناختی را بر پایهٔ صمیمیت و نزدیکی با مخاطبین خود که نوجوانان ۱۵-١٤ ساله هستند، ایجاد نمایند. همچنین نتایج نشان می‌دهند در بحث «جنسیت»، بیشترین تعداد داده‌ها در اختیار جنس مذکر است (۳۰ مورد مذکر و ٤ مورد مونث). نابرابری و تبعیض جنسیتی در ساختارهای شناختی، با این شدّت اختلاف، می‌تواند فرادستی و برتری مردان را نسبت به زنان، به مخاطبین نوجوان القا نماید و آثار منفی و شاید جبران‌ناپذیری را در نهاد دانش‌آموزان نوجوان دختر برجای بگذارد. آگاهی به این مورد باعث می‌شود که مؤلفان در معرفی صحیح جایگاه زنان در فرهنگ ایرانی و حضور آن‌ها در جامعه توجه کافی داشته باشند.

یافته‌ها نشان می‌دهند که در برخی از جمله‌ها چندین طرح‌وارهٔ استعاری ناظر بر یک متغیر اجتماعی بودند (جملهٔ شمارهٔ ۱۰، تعامل ۸ طرح‌وارهٔ تصوری با یک متغیر اجتماعی). نگارندگان معتقدند این کاربرد نابرابر، باعث پیچیدگی مفهومی در سطح یک جمله می‌شود. به اعتقاد آن‌ها عکس این نتیجه نیز صادق است؛ تعامل تنها یک طرح‌وارهٔ تصوری با یک یا چند متغیر اجتماعی می‌تواند ساختار استعاری ساده‌ای را به‌وجود بیاورد (جملهٔ شمارهٔ ۲، تعامل یک طرح‌وارهٔ تصوری با یک متغیر اجتماعی). نتایج نشان می‌دهند که در بعضی از ساختارهای مفهومی دو یا چند طرح‌وارهٔ تصوری با یکدیگر همپوشانی دارند، مانند طرح‌واره‌های حجم و پر/خالی. همچنین با توجه به تعامل و همگرایی تنها ۳٤٪ از کل جمله‌های استعاری با متغیرهای اجتماعی و تنوعات زبانی که از فرضیات مسلم در رویکرد زبان‌شناسی شناختی است، نگارندگان معتقدند در کتاب *فارسی پایهٔ هشتم، دورهٔ متوسطهٔ اول* (اکبری شلدره، ۱۳۹۷)، رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی شناختی به تمامیت به منصهٔ ظهور نرسیده است. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران دیگر، در راستای مطالعات زبان‌شناختی خود، به تحلیل متون آموزشی

دیگر، به‌ویژه متون آموزش زبان فارسی که نقش عمده‌ای در معرفی فرهنگ و جامعهٔ ایرانی دارند، بپردازند. همچنین انتظار می‌رود که مؤلفان و متولیان امر تعلیم و تربیت در تالیف کتاب-های آموزشی و یا بازنگری‌های متون درسی به نتایج این دسته از پژوهش‌ها توجه لازم داشته باشند.

کتاب‌نامه

۱- اکبری‌شلدره، فریدون؛ نجفی‌بازکی، معصومه؛ قاسم‌پورمقدم، حسین؛ سنگری، محمدرضا و عبادتی، شهناز (۱۳۹۷). ***فارسی پایهٔ هشتم دورهٔ اول متوسطه-115***. چاپ پنجم. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی.

۲- بحرینی، مسعود (۱۳۹۷). ***بررسی اجتماعی شناختی تابو و حسن تعبیر در ساختارهای عبارات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی***. رسالهٔ دکتری تخصصی زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه پیام‌نور، مرکز تخصصی دکتری.

۳- دبیرمقدم، محمد.؛ یوسفی‌راد، فاطمه؛ شقاقی، ویدا و متشرعی، سیدمحمود. (۱۳۹۷). زبان‌شناسی شناختی- اجتماعی: رویکردی نوین به معنا و تنوعات زبانی. ***فصلنامهٔ زبان‌شناسی اجتماعی***، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۲، صص ۲۰-۲۹.

٤- روشن، بلقیس و اردبیلی، لیلا (۱۳۹۱). ***مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی***. تهران: علم.

۵- زندی، بهمن (۱۳۹۳). زبان‌شناسی تربیتی به مثابهٔ حوزهٔ پژوهشی میان‌رشته‌ای. ***فصلنامهٔ مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی***. دوره ٦، شمارهٔ ٤، صص ۷۰-۵۱.

٦- زندی، بهمن؛ روشن، بلقیس؛ قاسم‌پور، حسین و باباسالاری، زهرا (۱۳۹٤). تحلیل محتوای شناختی استعاری کارکردی در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی. ***فصلنامهٔ نوآوری‌های آموزشی***. دورهٔ ۱۵، شمارهٔ ۱، صص ۲۲-۷.

۷- زندی، بهمن و احمدی، بهزاد (۱۳۹۵)، نام‌شناسی اجتماعی-شناختی؛ حوزهٔ نوین مطالعات میان‌رشته‌ای. ***فصلنامهٔ مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی***، دورهٔ ۳۳، شمارهٔ ۹، صص ۱۲۷-۹۹.

۸- کووِچش، زولتن (۱۳۹۳). ***مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره***. ترجمهٔ شیرین پورابراهیم. تهران: سمت.

۹- محمدی آسیابادی، علی، صادقی، اسماعیل، و طاهری، معصومه (۱۳۹۱). طرح‌وارهٔ حجمی و کاربرد آن در بیان تجارب عرفانی. ***پژوهش‌های ادب عرفان (گوهر گویا)***. سال٦، شمارهٔ ۲، صص ۱٦۲-۱٤۱.

۱۰-مدرسی، یحیی (۱۳۹۱). ***درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان***. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.

۱۱-مدرسی، یحیی و مظفری، شراره (۱۳۹۷). تأثیر نگرش گویشوران و کاربرد تنوعات گونه‌ای زبان فارسی در استان فارس: پژوهشی اجتماعی-شناختی. ***فصلنامهٔ زبان‌شناسی اجتماعی***، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۱، صص ۵۰-۲۲.

۱۲-مهرابی، معصومه (۱۳۹۷). ده گفتار در زبان‌شناسی شناختی-اجتماعی معرفی و نقد. ***زبان و زبان‌شناسی***. دورهٔ ۱٤، شمارهٔ ۲۷، صص ۱۷۷-۱٦۹.

۱۳-وارداف، رونالد (۱۳۹۳). ***درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان***. ترجمهٔ رضا امینی. تهران: بوی کاغذ.

14- Clark, L., & Trousdale, G. (2009). Exploring the role of token frequency in phonological change: Evidence from TH-fronting in east-central Scotland, 33-56.

15- Croft, W. & Cruse, D.A. (2004). ***Cognitive Linguistics***. Cambridge: Cambridge University Press.

16- Dirven, R. (2005). Major strands in cognitive linguistics. ***Cognitive linguistics**: **Internal dynamics and interdisciplinary interaction***, 69-100.

17- Geeraerts, D., Kristiansen, G. & Peirsman, Y. (Eds.) (2010). *Advances in Cognitive* ***Sociolinguistics***. Berlin: Mouton de Gruyter.

18- Hollmann, W., & Siewierska, A. (2007). A construction grammar account of possessive constructions in Lancashire dialect: some advantages and challenges. ***English Language and Linguistics***, *11*(2), 407.

19- Hudson, R. (2000). ***Review of Bernard Spolsky: Sociolinguistics***. 1998. University of Essen, Lines

20- Johnson, M. (1987). ***The Body in the Mind. The Bodily Basis of Meaning, Imagination and Reason***. Chicago: University of Chicago Press.

21- Kristiansen, G., & Dirven, R. (Eds.). (2008). ***Cognitive sociolinguistics: Language variation, cultural models, social systems*** (Vol. 39). Walter de Gruyter.

22- Lakoff, G. & Johnson, M. (1980). ***MetaphorsWe Live by***. Chicago: University of Chicago Press.

23- Peirsman, Y., Heylen, K., & Geeraerts, D. (2010). Applying word space models to sociolinguistics. Religion names before and after 9/11. ***Advances in Cognitive Sociolinguistics, Cognitive Linguistics Research [CLR]***, 111-137.

24- Robinson, J.A. (2010). Awesome insights into semantic variation. In Geeraerts, D., Kristiansen, G., & Robinson, J.A. (Eds.) ***Advances in Cognitive Sociolinguistics***, 85-109. Berlin: Mouton de Gruyter.

25- Wolf, H. G., & Polzenhagen, F. (2009). *World Englishes:* ***A cognitive sociolinguistic approach*** (Vol. 8). Walter de Gruyter.

Exploring *Eighth Grade Persian Textbook* based on Socio-Cognitive Linguistics

Belqeis Rovshan[1]
Payame noor university-Department of Linguistics
(Corresponding Author)

Hamideh Bonyadi
Kazeroun Education Department

Received: 2019/12/1 Accepted:2021/3/9

Abstract

Cognitive sociolinguistics is a new attitude in linguistics that has appeared from the interaction of two approaches of social linguistics and cognitive linguistics and its purpose is to study the cognitive socio dimensions in daily use of language. This is a descriptive-analytical study and the purpose is to analyze the *Eighth Persian Textbook* of Junior Secondary School (Akbari Sheldereh, 2018) based on cognitive sociolinguistics. In this study the unit of analysis was "sentence" and all of the texts were examined. From among the 1200 sentences existing in the book, all sentences (500) containing image schemas were extracted using Johnsons' (1987) research. From among these (500) sentences, the ones (170 cases) containing social variables were determined and finally the interaction of image schemas and social variables were analyzed (quantitatively and qualitatively) and represented. 320 cases of image schemas and 240 cases of social variables were involved in this interaction. The results indicated that the image schemas of "force", "content", "path" and "process" and the social variables of "religion and religion attitude", "culture" and "solidarity" had the most participation in two approaches of cognitive linguistics and sociolinguistics interaction. Although, the use of more than 500 metaphorical sentences indicates that the authors of this book have paid attention to the growth of youth creativity and abstract thinking, but according to the 34% interaction of metaphorical sentences and social variables, the authors concluded that the cognitive sociolinguistics approach is not presented enough. Creating a sense of sincerity with the high use of "solidarity" variable, gender discrimination and introducing Iranian-Islamic culture in the metaphorical structures are other findings of this study.

Keywords: Cognitive Sociolinguistics, Persian Textbook, Image Schema, Social Variable

---

1- bl_rovshan@pnu.ac.ir